



فصلنامه راهبرد مدیریت مالی

دانشگاه الزهرا

سال سیزدهم، شماره پنجاهم، پاییز ۱۴۰۴

صفحات ۱۴۴-۱۲۱



مقاله پژوهشی

مالکیت خانوادگی، مدیریت سود و کووید ۱۹: دیدگاه ثروت اجتماعی-عاطفی<sup>۱</sup>

مسعود طاهری‌نیا<sup>۲</sup>، فرشاد سبزی‌پور<sup>۳</sup>، علی صیادی‌سومار<sup>۴</sup>، مهران احمدی<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

چکیده

در زمان وقوع بحران‌ها نظیر شیوع کووید ۱۹، ممکن است مدیران به منظور ارائه تصویری مطلوب از وضعیت مالی شرکت، اقدام به مدیریت سود کنند. مرور ادبیات پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی دارای رفتار گزارشگری مالی متفاوت با سایر شرکت‌ها هستند. در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، حفظ ثروت اجتماعی-عاطفی و توانایی اعمال نفوذ صاحبان خانواده، بر تصمیمات گزارشگری شرکت تأثیر دارد. هدف پژوهش حاضر مطالعه تأثیر مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود با توجه به اثر تعدیلی شیوع کووید ۱۹ است. در این راستا، داده‌های ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ گردآوری شده است. به منظور تخمین مدل‌های رگرسیونی پژوهش از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نسبت مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی اثر منفی و معنی‌داری دارد. بنابراین، در کل دوره پژوهش، با افزایش در مالکیت خانوادگی، مدیریت سود واقعی و تعهدی به طور معنی‌داری کاهش یافته است. همچنین، یافته‌ها نشان داد که شیوع کووید ۱۹ در رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود اثر تعدیلی معنی‌داری دارد. بنابراین، رفتار شرکت‌ها از نظر مدیریت سود، در دوره قبل و بعد از شیوع کووید ۱۹ تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** مالکیت خانوادگی، مدیریت سود، کووید ۱۹، دیدگاه ثروت اجتماعی-عاطفی

**طبقه‌بندی موضوعی:** M41 ، G10

۱. کد doi مقاله: 10.22051/jfm.2025.48112.2951

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. Email: taheerinia.m@lu.ac.ir

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. نویسنده مسئول. Email: f.sabzalipour@ilam.ac.ir

۴. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. Email: sayadi.a@lu.ac.ir

۵. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. Email: ahmadimehran322@gmail.com

## مقدمه

پژوهش‌های تجربی حسابداری، مدیریت سود را به عنوان ابزاری تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی مورد توجه قرار داده‌اند (دچو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰، هیلی و پالیپو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). مدیریت سود به عنوان فعالیتی عمدی توسط مدیریت تعریف می‌شود که از طریق دستکاری قواعد حسابداری یا تصمیمات عملیاتی است که جهت ارائه اطلاعاتی متفاوت از نتایج واقعی به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان استفاده می‌شود (بورالهو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). انگیزه‌های مدیران جهت مدیریت سود شامل پنهان کردن وضعیت مالی واقعی شرکت از دید ذینفعان (دچو و همکاران، ۱۹۹۹، بورگستالر و دیچو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷)، برآورده کردن انتظارات تحلیل‌گران (ماتسوماتو<sup>۵</sup>، ۲۰۲۲)، جلوگیری از واکنش‌های منفی بازار سهام به سودهای پرنوسان (بارث و الیوت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹)، کاهش احتمال نقض قراردادهای بدهی (دیفاند و جیامبالو<sup>۷</sup>، ۱۹۹۴) و یا حداکثر کردن ارزش فعلی پاداش (هیلی و والن<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹، فیلد<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۱) است.

با وجود این که مدیریت سود به عنوان یک موضوع پژوهشی مورد توجه پژوهشگران حسابداری بوده است، لیکن این جریان از تحقیقات، کمتر به مطالعه رفتار شرکت‌های خانوادگی در زمینه مدیریت سود پرداخته‌اند (سالواتو و مورز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰). پژوهش‌های تجربی در کشورهایی مانند آمریکا و بریتانیا که در آنها ساختار مالکیت گسترده غالب‌تر است، بر شرکت‌های غیرخانوادگی تمرکز دارد. با این حال، در بسیاری از سایر کشورها، ساختار مالکیت متمرکز و دارای مالکیت خانوادگی غالب است (بهومیگ و گرگوریو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰). شواهد تجربی موجود نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای خانوادگی و غیرخانوادگی از نظر تصمیم‌گیری درباره گزارشگری مالی با هم تفاوت دارند. شواهد برخی از مطالعات (علی<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ کاسینو<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ چن<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۸؛ گومز-مجیا<sup>۱۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۳؛ جیراپورن و دادالت<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۰؛ پرنسیپ<sup>۱۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) حاکی از آن است که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی در مقایسه با

1. Dechow
2. Healy & Palepu
3. Borralho
4. Burgstahler & Dichev
5. Matsumoto
6. Barth & Elliott
7. DeFond & Jiambalvo
8. Healy & Wahlen
9. Fields
10. Salvato & Moores
11. Bhaumik & Gregoriou
12. Ali
13. Cascino
14. Chen
15. Gomez-Mejia
16. Jiraporn & Dadalt
17. Prencipe

همتایان غیرخانوادگی خود، از نظر گزارشگری مالی کیفیت بالاتری دارند. با این حال، برخی از مطالعات نیز وجود یک رابطه منفی بین کنترل خانواده و کیفیت گزارشگری مالی را نشان می‌دهند (هو و ونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ پرنسپ و همکاران، ۲۰۱۱).

اقدامات انجام شده دولت‌ها جهت جلوگیری از گسترش ویروس کووید ۱۹، منجر به کاهش و یا توقف فعالیت بسیاری از شرکت‌ها و ایجاد یک بحران اقتصادی و مالی در بسیاری از کشورها شد (رحمان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). شرکت‌ها به منظور کاهش اثرات نامطلوب بحران‌ها بر وضعیت مالی شرکت و ارائه تصویری مثبت از عملکرد شرکت، ممکن است از شیوه‌های مدیریت سود استفاده کنند. بنابراین، شیوع کووید ۱۹ به عنوان یک بحران جهانی این انگیزه را برای بسیاری از مدیران شرکت‌ها فراهم کرد تا به مدیریت سود روی آورند (اوزیلی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). بسیاری از پژوهش‌های تجربی نیز بر چگونگی مدیریت سود در طول بحران‌ها مالی متمرکز کرده‌اند. با این حال، در مورد استفاده از مدیریت سود افزایش یافته یا کاهش یافته در زمان بحران اتفاق نظر وجود ندارد. لیسبوا و کچاراوا<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) بیان کردند که مدیران جهت حفظ روابط خود با مالکان در طول بحران، ممکن است به ارائه گزارش‌های مالی با محتوای مثبت روی آورند. در مقابل، حمزه و زعتر<sup>۵</sup> (۲۰۲۱) استدلال کردند که مدیران برای دفاع از رفتار قبلی خود، سودهای را در جهت نزولی دستکاری می‌کنند تا از هرگونه پیامد سیاسی مانند افزایش مالیات، قوانین سخت‌گیرانه‌تر و نظارت در طول دوره بحران اجتناب کنند. با این حال، به دلیل کمبود مطالعات تجربی، رفتار مدیران در دستکاری سود در طول دوره همه‌گیری کووید ۱۹ همچنان مبهم باقی مانده است (علی و همکاران، ۲۰۲۲؛ الجواهری<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۱؛ عزیزاح<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱؛ لاسوئد و خانچل<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱؛ رحمان و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، به دلیل تفاوت در محیط نهادی و درجه تمرکز مالکیت، یافته‌های حاصل از کشورهای توسعه یافته متفاوت از کشورهای در حال توسعه است (چای<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). از این رو، تاثیر مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود در دوره بحران کووید ۱۹ همچنان به عنوان یک سؤال پژوهشی باز مطرح است. پژوهش حاضر، با توسعه ادبیات مربوط به اثرات بحران‌های مالی بر روی شیوه‌های مدیریت سود، پیامدهای حسابداری بحران‌هایی نظیر همه‌گیری کووید ۱۹ در محیط ایران را بررسی می‌کند. همچنین، پژوهش حاضر با این استدلال که شرکت‌ها از نظر انگیزه‌های مدیریت سود مشابه نیستند، با مطالعه تاثیر مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود در دوره شیوع کووید ۱۹، به توسعه ادبیات موجود در حوزه رفتار مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی کمک می‌کند. از سوی دیگر، با عنایت به این که توانایی اعمال نفوذ صاحبان خانواده و ابزارهای خاص بازیگران کنترل کننده بر تصمیمات

1. Ho & Wong
2. Rahman
3. Ozili
4. Lisboa & Kacharav
5. Hamza & Zaatir
6. Aljawaheri
7. Azizah
8. Lassoued & Khanchel
9. Chi

گزارشگری شرکت تأثیر دارد، این پژوهش، با استفاده از رویکرد ثروت اجتماعی-عاطفی<sup>۱</sup> به عنوان تئوری پشتیبان پژوهش، استدلال‌های دقیق‌تری در مورد نقش ثروت اجتماعی-عاطفی بر تصمیمات مالکان در مورد استراتژی‌های گزارشگری مالی ارائه می‌کند.

در بخش‌های بعدی، نخست به ارائه مبانی نظری، پیشینه موضوع و توسعه فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. در ادامه، به تشریح روش‌شناسی پژوهش شامل توسعه مدل‌های پژوهش و تعریف عملیاتی متغیرها و در انتها نیز، نتایج پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

### مدیریت سود و مالکیت خانوادگی: نظریه‌ها

پژوهش‌ها در زمینه مدیریت سود بسته به نوع مالکیت شرکت‌ها با نتایج متفاوتی همراه بوده است. لیسبوا<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) ادعا می‌کند که مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی، به ویژه در دوران بحران‌ها، در راستای افزایش ثروت اجتماعی-عاطفی قابل تفسیر است، بدین مفهوم که شرکت‌های خانوادگی ممکن است در طول بحران‌هایی نظیر رکود اقتصادی، در راستای پنهان کردن اخبار بد، سود خود را مدیریت کنند. همچنین، ژانگ و ژانگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) استدلال کردند که فرصت انجام معاملات درونی در شرکت‌های خانوادگی، مدیران و مالکان کنترل‌کننده را ترغیب می‌کند تا از طریق ارائه اطلاعات مبهم و با کیفیت پایین، عملکرد واقعی شرکت را پنهان کنند. در مقابل، یافته‌های بسیاری از مطالعات نظیر جیراپورن و دادالت (۲۰۱۰)، آکلینتر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۴)، بورالو<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۰) و مارتین<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۶) حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی از کیفیت افشای بالاتر و مدیریت سود کمتری برخوردار هستند. حق وردی زاده (۱۳۹۹) دریافت که ساختار مالکیت شرکت‌ها با مدیریت سود رابطه معنی‌داری دارد و شرکت‌های غیرخانوادگی بیشتر از همتایان خود اقدام به مدیریت سود می‌کنند. نمازی و محمدی (۱۳۸۹) نشان دادند که بین کیفیت سود در شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیرخانوادگی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و بین کیفیت سود با میزان مالکیت خانوادگی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

چارچوب نظری مطالعات مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی عمدتاً بر نظریه نمایندگی و نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی استوار است، و در مطالعات انجام شده، نظریه نمایندگی به عنوان نظریه غالب مورد توجه قرار گرفته است (بورالو و همکاران، ۲۰۲۰؛ پایوا<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ استوکمنز<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۳؛

1. Socio-Emotional Wealth
2. Lisboa
3. Zhang & Zhangs
4. Achleitner
5. Borralho
6. Martin
7. Paiva
8. Stockmans



تانگ<sup>۱</sup>، (۲۰۰۷). بر اساس نظریه نمایندگی، شیوه‌های مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی متأثر از ویژگی‌هایی نظیر تمرکز مالکیت و کنترل توسط شرکت‌های خانوادگی (مشکلات نمایندگی نوع اول)، همگرایی منافع و جبهه‌گیری مدیریت (مشکلات نمایندگی نوع دوم) است. مطالعات موجود حاکی از آن است که دیدگاه همگرایی در اقتصادهای توسعه‌یافته که بهره‌برداری از ثروت سهام‌داران اقلیت توسط شرکت‌های خانوادگی دشوار است، غالب است و از این رو همسویی مدیر و مالکان در شرکت‌های خانوادگی منجر به مدیریت سود کمتر نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی می‌شود (کاسینو و همکاران، ۲۰۱۰؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعات مختلفی نظیر (علی و همکاران، ۲۰۰۷؛ تانگ، ۲۰۰۷؛ جیراپورن و دادالت، ۲۰۰۹؛ پرنسیپ و همکاران، ۲۰۱۱؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴) با بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود تعهدی، شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی بین مالکیت خانوادگی با مدیریت سود تعهدی فراهم کردند. آنها استدلال کردند که در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، اثر همسویی و همگرایی منافع منجر به محدود شدن رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت و کاهش تضاد نمایندگی بین مدیر و مالک می‌شود که این موضوع در نهایت، به مدیریت سود تعهدی کمتر منتهی می‌گردد. در مقابل، دیدگاه جبهه‌گیری<sup>۲</sup> در اقتصادهای توسعه نیافته غالب است که در آن مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بیرونی ضعیف این امکان را برای شرکت‌های خانوادگی فراهم می‌کند تا از ثروت سهام‌داران اقلیت در راستای منافع شخصی خود استفاده کنند و سپس، از مدیریت سود به عنوان ابزاری برای پنهان کردن استفاده کنند. در این راستا، یانگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) و دینگ<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۱) با ارائه شواهدی مبنی بر رابطه مثبت بین مدیریت سود تعهدی با مالکیت خانواده، استدلال کردند که مالکیت و کنترل اعضای خانوادگی بر شرکت‌ها، فرصتی را برای مالکین خانوادگی فراهم می‌کند که منجر به انتقال ثروت سهام‌داران اقلیت به آنها خواهد شد. این یافته‌ها با فرضیه اثر جبهه‌گیری سازگاری دارد. اثر جبهه‌گیری می‌تواند منجر به تضاد بین سهام‌داران اکثریت و اقلیت (ویلاونگا و آمیت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) و در نتیجه افزایش مدیریت سود تعهدی شود.

سالواتو و مورس<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) با استناد به نظریه نمایندگی دو نوع مشکل نمایندگی شامل تعارض بین مالکان و مدیران و تعارض بین سهام‌داران اکثریت و اقلیت را مستند کردند. از آنجایی که در شرکت‌های خانوادگی، اهداف صاحبان خانواده و مدیران همسویی بیشتری دارد، این شرکت‌ها کمتر در معرض مشکل نمایندگی نوع یک قرار دارند. در مقابل، شرکت‌های خانوادگی به دلیل تأثیرگذاری اندک سهام‌داران اقلیت در تصمیمات اقتصادی و غیراقتصادی، بیشتر در معرض مشکلات نمایندگی نوع دوم هستند. در شرکت‌های خانوادگی، مشکلات نمایندگی نوع دوم زمانی شدیدتر می‌شود که تضاد بین گروه کنترل‌کننده و گروه غیرکنترلی ایجاد شود. به دلیل تسلط صاحبان خانواده، مشکل نمایندگی از تعارض مدیر-مالک به تعارض

1. Tong
2. Entrenchment view
3. Yang
4. Ding
5. Villalonga & Amit
6. Salvato & Moores

اکثریت - اقلیت تغییر می‌کند، چرا که این شرکت‌ها از طریق حق رای مستقیم یا غیرمستقیم، نفوذ و تسلط بیشتری بر مدیریت دارند و اعضاء خانواده عموماً در پست‌های حاکمیتی یا مدیریتی شرکت ایفای نقش می‌کنند (بورالو و همکاران، ۲۰۲۰؛ مارتین و همکاران، ۲۰۱۶؛ تانگ، ۲۰۰۷). تمرکز بالای مالکیت در این شرکت‌ها منجر به نظارت قوی مدیریت می‌شود که این موضوع رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت در زمینه دستکاری سود را کاهش می‌دهد.

مبانی نظریه نمایندگی ممکن است در مورد روابط شرکت‌های خانوادگی متفاوت باشد. در چنین شرکت‌هایی، غالباً روابط بر اساس احساسات و عواطف شکل می‌گیرد و نه لزوماً رفتار عقلایی اقتصادی که توسط نظریه نمایندگی سنتی تشریح شده است (گومز-مجیا و همکاران، ۲۰۰۱). از آنجایی که انگیزه‌های مالکان خانوادگی غالباً ماهیت غیرمالی دارند، نظریه نمایندگی توانایی تشریح و فهم انگیزه‌های مالکان خانوادگی در خصوص اعمال اختیار در گزارشگری مالی را ندارد (گومز-مجیا و همکاران، ۲۰۱۴). از این رو، برخی از پژوهشگران مفهوم ثروت اجتماعی-عاطفی را برای تبیین تفاوت‌های رفتاری شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی معرفی کردند. این نظریه بیان می‌کند که شرکت‌های خانوادگی به جنبه‌های غیراقتصادی مانند کنترل بر کسب و کار، محافظت از ثروت اعضای خانواده و سرمایه اجتماعی خود اهمیت می‌دهند. آنها شرکت را به عنوان میراثی قابل انتقال به نسل بعدی و نه ثروتی که در طول تصدی آنها قابل مصرف است، می‌دانند (برونه<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). مدل حفظ ثروت اجتماعی-عاطفی مبتنی بر این فرض است که مالکان خانوادگی، تصمیم‌گیری‌های خود درباره مسائل مختلف از جمله مسائل گزارشگری مالی را از این منظر ارزیابی می‌کنند که این اقدامات چگونه بر ثروت اجتماعی-عاطفی آنها تأثیر می‌گذارد. این مدل همچنین پیش‌بینی می‌کند که مالکان شرکت‌های خانوادگی نسبت به از دست دادن ثروت اجتماعی-عاطفی خود حساس هستند، به این معنی که آنان حاضر به پذیرش کاهش سطح ثروت اقتصادی خود به منظور حفظ ثروت اجتماعی-عاطفی هستند، حتی اگر این رفتارها همراه با تصمیمات ریسکی باشد. در عین حال، آنها از تصمیمات مخاطره‌آمیزی که ممکن است ثروت اقتصادی را به بهای کاهش ثروت اجتماعی-عاطفی، افزایش دهد، اجتناب خواهند کرد (گومز-مجیا و همکاران، ۲۰۱۴).

برخلاف تئوری نمایندگی که از وجود رفتار فرصت‌طلبانه حمایت می‌کند، نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی از درجه بیشتر همسویی منافع بین سهام‌داران اکثریت و اقلیت حمایت می‌کند. از این رو، برخی از حامیان این دیدگاه معتقد به کاهش رفتار فرصت‌طلبانه و افزایش محتوای اطلاعاتی سود هستند (گومز-مجیا و همکاران، ۲۰۰۷). تمایل خانواده جهت حفظ نفوذ بر شرکت، مدیران خانواده را نسبت به پیامدهای نامطلوب مدیریت سود بر تداوم کنترل آنان حساس‌تر می‌کند و از فعالیت‌های مدیریت سود که به حفظ نفوذ آنان آسیب می‌زند، اجتناب می‌کند. از سوی دیگر، مالکان خانوادگی نگران واکنش‌های منفی سهام‌داران غیرخانوادگی در زمان کشف مدیریت سود و به خطر افتادن موقعیت غالب خانواده هستند. فقدان حمایت این ذینفعان می‌تواند مانع از اعمال نفوذ مدیران خانواده بر عملیات شرکت گردد. بنابراین، در صورت کشف

مدیریت سود، واکنش‌های بالقوه این ذینفعان، برای مدیران خانواده که علاقه‌مند به حفظ اختیارات خاص برای تحمیل اراده خود بر ذینفعان با نفوذ هستند، با ریسک همراه خواهد کرد (البگالی و فوا، ۲۰۲۳؛ سنمو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین، رفتار مالکان خانوادگی نسبت به نوع مدیریت سود متفاوت است. مدیران خانواده که بعد کنترلی ثروت اجتماعی-عاطفی را در اولویت قرار می‌دهند، به دلیل هزینه‌های بالای مرتبط با مدیریت سود واقعی، انواع دیگری از مدیریت سود را ترجیح می‌دهند که با احتمال کمتری ارزش مالی واقعی شرکت را پنهان می‌کند. مارتین (۲۰۱۶) با استناد به مفهوم نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی استدلال کردند که مدیران خانواده خود با منصرف کردن مدیران از درگیر شدن در فعالیت‌های مدیریت سود، از ثروت اجتماعی-عاطفی محافظت می‌کنند. به همین ترتیب، آکلینتر و همکاران (۲۰۱۴) از مفهوم تئوری ثروت اجتماعی-عاطفی برای گزارشگری مالی بهتر توسط شرکت‌های خانوادگی استفاده کرد. البگالی و فوا (۲۰۲۳) با استفاده از مفهوم نظریه ثروت اجتماعی-عاطفی، استدلال کردند که تداوم کنترل بلندمدت به عنوان دغدغه اصلی مالکان خانوادگی منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. یافته‌های مطالعات وانگ (۲۰۰۶)، علی و همکاران (۲۰۰۷)، تونگ (۲۰۰۷) و جیراپورن و دادالت (۲۰۰۹) حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی شیوه‌های گزارشگری مالی بهتر و مدیریت سود کمتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی دارند. ودیعی و همکاران (۱۳۹۷) دریافته‌اند که بخشی از سهام یک شرکت که در اختیار اعضای خانواده مؤسس یا خویشاوندان آن‌ها قرار دارد بر استفاده از وجوه نقد، ساختار بدهی و سیاست تقسیم سود شرکت تأثیر دارد. یافته‌های شیروانی و سروش یار (۱۳۹۸) حاکی از آن است که مالکیت خانوادگی بر عملکرد شرکت‌های خانوادگی با مدیرعامل خانوادگی تأثیری معنی‌دار ندارد. یاراحمدی و محمدی (۱۳۹۹) نشان دادند که بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود منفی وجود دارد. حسینی و همکاران (۱۳۹۵) دریافته‌اند که در شرکت‌های خانوادگی افزایش در توانایی مدیران منجر به کاهش اقلام تعهدی و افزایش کیفیت سود خواهد شد. آکلینتر و همکاران (۲۰۱۴)، کاسینو و همکاران (۲۰۱۰)، پرنسیپ و همکاران (۲۰۰۸) و (۲۰۱۱) نشان دادند که کیفیت اطلاعات در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی بیشتر است. همچنین، یافته‌های پژوهش پرنسیپ و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از آن است که اثر استقلال هیئت مدیره بر مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیر خانوادگی کمتر است. در مجموع، ادبیات موجود در مورد شرکت‌هایی آمریکایی و اروپایی غربی حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی به دلیل جدایی مالکیت و مدیریت، با مشکلات نمایندگی نوع اول کمتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی مواجه هستند و این موضوع منجر به کیفیت بالاتر گزارشگری مالی می‌شود (علی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آکلینتر و همکاران، ۲۰۱۴؛ کاسینو و همکاران، ۲۰۱۰؛ پرنسیپ و همکاران، ۲۰۱۱؛ تانگ، ۲۰۰۷). در مقابل، یافته‌های برخی از مطالعات حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیر خانوادگی دارای سطوح بالاتری از مدیریت سود هستند. یافته‌های هو و وانگ (۲۰۰۱)

1. Al-Begali & Phua
2. Cennamo

حاکمی از وجود رابطه معکوس بین کنترل خانوادگی و کیفیت گزارشگری مالی است. چای و همکاران (۲۰۱۵) و دینگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۱) به ترتیب با استفاده از نمونه‌ای شرکت‌ها چینی و تایوانی دریافتند که شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، اقلام تعهدی اختیاری بالاتری دارند، که با این دیدگاه که شرکت‌های خانوادگی رفتار گزارشگری فرصت‌طلبانه‌تری دارند، سازگار است. با عنایت به استدلال‌های نظری و شواهد تجربی فوق، انتظار می‌رود مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود تاثیر داشته باشد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

**فرضیه اول:** مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود تاثیر دارد.

### کووید ۱۹، مدیریت سود و مالکیت خانوادگی

بسیاری از پژوهش‌های قبلی، رفتار مدیریت سود را در طول بحران‌هایی مانند بحران‌های نفتی (بوگشان<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰) و بحران‌های مالی (فیلیپ و رافورنی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴؛ کوسنیدیس<sup>۴</sup>، و همکاران، ۲۰۱۳) مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این وجود، شواهد تجربی اندکی در مورد رفتار مدیریت سود در طول بحران همه‌گیری‌ها وجود دارد. با عنایت به اندک بودن مطالعات مربوط به تاثیر کووید ۱۹ بر مدیریت سود و وجود نتایج متضاد، رفتار مدیران در طول همه‌گیری کووید ۱۹ در خصوص مدیریت سود، مبهم است. در طول بحران شیوع کووید ۱۹، انتظار می‌رود مدیران به دنبال مدیریت سود افزایشی باشند تا با ارائه تصویری بهتر از وضعیت مالی شرکت، دیدگاه و نظر سهام‌داران و سرمایه‌گذاران را بهبود بخشند و از این طریق به آن‌ها اطمینان دهند که وضعیت شرکت در مقایسه با رقبای خود مطلوب است (الجواهری و همکاران، ۲۰۲۱؛ اوزیلی، ۲۰۲۱؛ شیائو و شی<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، دوره اپیدمی ممکن است مدیران را به مدیریت سود کاهنده (حمام بزرگ<sup>۶</sup>) ترغیب می‌کند. بنابراین، شرکت‌ها ممکن است به منظور افزایش سودهای آتی، اقدام به گزارش سودهای اندک در دوره جاری کنند (لیو و سان<sup>۷</sup>، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، یافته‌های مطالعات فیلیپ و رافورنی (۲۰۱۴) و کومار و ویج<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) حاکی از آن است که به دلیل اثر منفی بحران‌ها بر فعالیت‌های شرکت‌ها، مدیران شرکت‌ها از مدیریت سود اجتناب می‌کنند، چرا که در طول کووید ۱۹ اغلب سهام‌داران انتظار دارند سود روند کاهشی داشته باشد. این موضوع، انگیزه مدیران جهت مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

1. Ding
2. Bugshan
3. Filip & Raffournie
4. Kousenidis
5. Xiao & Xi
6. Big bath
7. Liu & Sun
8. Kumar & Vi



شیائو و شی (۲۰۲۱) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های برتر در چین در طول همه‌گیری، شواهدی مبنی بر کاهش مدیریت سود واقعی و افزایش در مدیریت سود تعهدی ارائه کردند. در مقابل، رحمان و همکاران (۲۰۲۲) به کمک نمونه‌ای از شرکت‌های چینی قبل و در خلال دوره همه‌گیری دریافتند که در طول همه‌گیری کووید ۱۹، هر دو گروه شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی و غیرخانوادگی درگیر مدیریت سود واقعی هستند، و میزان مدیریت سود در شرکت‌های خانوادگی بیشتر است. الهیاری<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که فعالیت‌های مدیریت سود واقعی و تعهدی افزایش یافته است. همچنین، نتایج نشان داد که در همه‌گیری کووید ۱۹ در مقایسه با دوره قبل از آن افزایش یافته است. همچنین، نتایج نشان داد که در مقایسه با دوره قبل از کووید ۱۹، شرکت‌ها تمایل دارند سود را به سمت بالا مدیریت کنند تا از کاهش غیرعادی سود به دلیل اختلال در فعالیت‌های تجاری اجتناب کنند. تیلور<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۳) با مقایسه هموارسازی سود بانک‌های فهرست شده اروپایی در دوره قبل و در طول دوره کووید ۱۹ دریافتند که شیوه‌های دستکاری سود در طول دوره همه‌گیری به‌ویژه در کشورهایی که محیط نهادی ضعیفی دارند، افزایش یافته است. لیانگ<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) دریافت که پس از دوره کووید ۱۹، مدیریت سود تعهدی افزایش یافته است. الجواهری (۲۰۲۱) با استفاده از داده‌های شرکت‌های عراقی نشان دادند که شرکت‌ها از مدیریت سود برای حفظ سود در طول زمان استفاده می‌کنند. در همین راستا، شواهد لاسود و خانچل (۲۰۲۱) حاکی از آن است که شرکت‌ها در طول دوره شیوع کووید ۱۹ نسبت به دوره قبل از شیوع بیماری، بیشتر اقدام به دستکاری سود کرده‌اند. با این حال، لیو و سان (۲۰۲۲) شواهدی در مورد کاهش اقدام تعهدی اختیاری در دوره کووید ۱۹ در مقایسه با قبل از شیوع آن ارائه کردند. بدین معنی که شرکت‌ها در طول دوره همه‌گیری از مدیریت سود کاهنده به منظور افزایش سود در دوره‌های بعد استفاده می‌کنند. همچنین، علی و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که در طول همه‌گیری، شرکت‌ها تمایل کمتری به مدیریت سود دارند. عزیزاح (۲۰۲۲) دریافت که میزان مدیریت سود تعهدی در دوره همه‌گیری کمتر از مدیریت سود تعهدی قبل از شیوع است. لیسبوا و کاجاروا (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند زمانی که شرکت‌ها در طول یک بیماری همه‌گیر با مشکلات مالی مواجه می‌شوند، رفتار مدیریت سود بیشتر آشکار می‌شود، بدین معنی که شرکت‌ها ممکن است در واکنش به شوک‌های خارجی یا رویدادهای نامطلوب نظیر بحران‌های اقتصادی، رویه‌های حسابداری خود را برای اهداف مدیریت سود تغییر دهند. لیسبوا (۲۰۱۷) نشان داد که در طول بحران‌ها، مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های خانوادگی نسبت به غیرخانوادگی بیشتر است. بنابراین، شرکت‌های خانوادگی در زمان بحران اطلاعات با کیفیت پایین‌تری دارند. انگ<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که مدیریت سود واقعی بین شرکت‌های خانوادگی در دوره‌های قبل و بعد از بحران متفاوت است. با عنایت به این یافته‌ها، انتظار می‌رود رفتار مدیران در خصوص

1. Al-Hiyari
2. Taylor
3. Liang
4. Eng

دستکاری سود و سایر داده‌های وضعیت مالی به نفع خود در زمان بحران‌ها یا اپیدمی‌ها تغییر پیدا کند و این رفتارها تحت تاثیر نوع مالکیت قرار گیرد. به عبارتی دیگر، از یک طرف، در دوران وقوع بحران‌هایی نظیر شیوع کووید ۱۹، مدیران با انگیزه‌های مختلفی ممکن است اقدام به مدیریت سود کنند، از سوی دیگر، در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی نیز مالکان خانوادگی، انگیزه‌های مختلفی به ویژه حفظ ثروت اجتماعی - عاطفی دارند که می‌تواند بر رفتار گزارشگری مالی این شرکت‌ها تاثیرگذار باشد. بنابراین، انتظار می‌رود رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود در دوره کووید ۱۹ متفاوت از دوره قبل از آن باشد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه دوم: کووید ۱۹ رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

### روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی و از نظر روش اجرا پژوهشی توصیفی-همبستگی است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ است. به منظور دستیابی به مجموعه‌ای از مشاهدات همگن، جامعه آماری با اعمال شروط: (۱) جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانک‌ها و بیمه‌ها، تأمین مالی و واسطه‌گری‌های مالی نباشند، (۲) پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و سال مالی طی دوره پژوهش تغییر نکرده باشد، (۳) اطلاعات شرکت‌ها طی دوره پژوهش در دسترس باشد و (۴) قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۴۰۱ از تابلوی بورس خارج نشده باشند، برابر با تعداد ۱۲۸ شرکت (معادل ۸۹۶ سال - شرکت) حاصل گردید. داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به اطلاعات صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های بورس اوراق بهادار از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین، سایت کدال و سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. جهت آزمون فرضیه اول و دوم به ترتیب از مدل (۱) و (۲) به شرح زیر استفاده گردیده است:

$$EM = \beta_0 + \beta_1 FOW_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 Big_{it} + \beta_7 Liq_{it} + \beta_8 Age_{it} + \beta_9 Loss_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1) \text{ مدل}$$

$$EM = \beta_0 + \beta_1 FOW_{it} + \beta_2 COVID_{it} + \beta_3 COVID_{it} * FOW_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 MTB_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 BIG_{it} + \beta_9 LIQ_{it} + \beta_{10} Age_{it} + \beta_{11} Loss_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2) \text{ مدل}$$

مدیریت سود (EM) متغیر وابسته پژوهش است. به منظور سنجش مدیریت سود از دو شاخص مدیریت سود تعهدی (DA) و مدیریت سود واقعی (REM) استفاده شده است. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از روش رویچوهاری (۲۰۰۶) استفاده می‌شود که به طور گسترده در تحقیقات قبلی (رحمان و همکاران، ۲۰۲۲؛ شیائو و شی، ۲۰۲۱) بکار رفته است. مدل رویچوهاری (۲۰۰۶) از سه مولفه تشکیل می‌شود. مولفه نخست، جریان نقد عملیاتی غیرعادی (ACFO) است که منعکس‌کننده دستکاری فروش از

طریق اعطای تخفیف در قیمت‌های فروش و تسهیل شرایط اعتبار برای بهبود سود در یک دوره خاص است و از طریق باقیمانده‌های مدل رگرسیون (۳) محاسبه می‌گردد:

$$\frac{CFO_t}{A_{t-1}} = \beta_1 \left( \frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left( \frac{Sale_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_3 \left( \frac{\Delta Sale_t}{A_{t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

مولفه دوم، هزینه‌های اختیاری غیرعادی (ADEI) است. برای برآورد هزینه‌های غیرعادی اختیاری، از باقیمانده‌های مدل رگرسیونی (۴) استفاده می‌شود:

$$\frac{DIE_t}{A_{t-1}} = \beta_1 \left( \frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left( \frac{Sale_{t-1}}{A_{t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۴)}$$

DIE بیانگر هزینه‌های اختیاری و برابر با مجموع هزینه‌های تبلیغات، هزینه‌های عمومی و اداری و فروش و هزینه‌های تحقیق و توسعه است. باقیمانده مدل رگرسیونی (۵) نشان دهنده مخارج اختیاری غیرعادی است، به این معنی که هر چه باقیمانده‌ها بیشتر باشد، مخارج اختیاری شرکت برای افزایش سود گزارش شده کمتر است.

مولفه سوم، هزینه‌های تولید غیرعادی (APRC) است. برای تخمین هزینه غیرعادی تولید، از باقیمانده‌های مدل رگرسیونی (۵) استفاده می‌شود:

$$\frac{PRC_t}{A_{t-1}} = \beta_1 \left( \frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left( \frac{Sale_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_3 \left( \frac{\Delta Sale_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_4 \left( \frac{\Delta Sale_{t-1}}{A_{t-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۵)}$$

PRC برابر با جمع بهای تمام شده کالای فروش رفته و موجودی کالای پایان دوره است. سطح هزینه‌های تولید غیرعادی (APRC) باقیمانده مدل رگرسیونی (۵) است. پس از انجام محاسبات فوق، برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی از هر سه شاخص در قالب یک معیار ترکیبی به شرح رابطه (۶) استفاده می‌شود. این شاخص ترکیبی، فعالیت مدیریت سود واقعی را بهتر از مقیاس منفرد منعکس می‌کند. در این راستا، معیار ترکیبی مدیریت سود واقعی با ضرب باقیمانده‌های مدل رگرسیونی (۳) و (۴) در عدد (-۱) و اضافه کردن آنها به APRC به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$APRC) + -1 \times (ADIE) + -1 \times (ACFO = REM$$

برای سنجش مدیریت سود تعهدی از مدل کاسنیک (۱۹۹۹) به شرح زیر استفاده شده است:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_0 \left( \frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_1 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it} / A_{it-1}) + \alpha_2 (PPE_{it} / A_{it-1}) + \alpha_3 (\Delta CFO_{it} / A_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۶)}$$

$TA_{it}$ ، بیانگر اقلام تعهدی است که برابر با تفاوت بین سود خالص و خالص جریان‌های نقدی عملیاتی است.  $A_{it-1}$  برابر با کل دارایی‌های ابتدای دوره،  $\Delta REV_{it}$  برابر با فروش دوره جاری منهای فروش دوره قبل،  $\Delta REC_{it}$  برابر با مانده حساب‌های دریافتی دوره جاری منهای دوره قبل است،  $PPE_{it}$  برابر با ناخالص

اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت در دوره جاری،  $\Delta CFO_{it}$  برابر با جریان نقد عملیاتی دوره جاری منهای دوره قبل است. برای تخمین پارامترهای مدل از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی به روش مقطعی استفاده می‌شود. بنابراین، مدل فوق به طور جداگانه برای ترکیب سال و صنعت برآورد می‌شود. پس از برآزش مدل فوق، با استفاده از پارامترهای برآورد شده، اقلام تعهدی غیراختیاری محاسبه و در پایان نیز با کسر کردن اقلام تعهدی غیراختیاری از کل اقلام تعهدی، مقدار اقلام تعهدی اختیاری که شاخص مدیریت سود تعهدی (DA) است، محاسبه می‌گردد.

FOW: بیانگر درصد مالکیت خانوادگی است. مرور ادبیات پژوهش حاکی از آن است که در تعریف شرکت‌های خانوادگی از شاخص‌های مختلفی نظیر درصد مالکیت سهام از سوی اعضای خانواده، عضویت اعضای خانواده در هیأت مدیره، و کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت و وجود مدیر عامل خانوادگی استفاده شده است. بررسی متون علمی و پژوهشی داخلی نیز حاکی از آن است که در اغلب مطالعات انجام شده، تعریف ارائه شده در پژوهش نمازی و محمدی (۱۳۸۹) و مهرآذین و همکاران (۱۳۹۲) مورد استناد واقع شده است. نمازی و محمدی (۱۳۸۹) بیان کردند که هیچ شاخص واحدی برای تعیین شرکت‌های با مالکیت خانوادگی وجود ندارد. آنان با در نظر گرفتن قوانین و مقررات و شرایط متفاوت ایران و با استناد به تعریفی که از وجود نفوذ قابل ملاحظه در بند ۸ استاندارد شماره ۲۰ بیان شده است، دارا بودن حداقل ۲۰٪ سهام شرکت توسط اعضاء خانواده را به عنوان یکی از معیارهای تشخیص مالکیت خانوادگی بیان کردند. همچنین، آنان عضویت اعضاء خانواده در هیأت مدیره شرکت را به عنوان معیار دیگری جهت مالکیت خانوادگی تعریف می‌کنند. در مجموع، آنان شرکت‌های خانوادگی بدین صورت تعریف کردند: «شرکت‌هایی که حداقل ۲۰٪ از سهام آنان به صورت فردی یا گروهی در دست اعضاء خانواده باشد و یا حداقل یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده عضو هیأت مدیره و یا مدیر اجرایی بوده و به طور فعال در هیأت مدیره مشارکت داشته باشد». یاراحمدی و محمدی (۱۳۹۹) نیز از این تعریف استفاده کرده‌اند. در پژوهش مهرآذین و همکاران (۱۳۹۲) نیز از شاخص‌های زیر به منظور تعریف شرکت‌های خانوادگی استفاده شده است: «الف) سهام‌دار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد و یا، ب) یکی از اعضای هیأت مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیأت مدیره و اعضای خانواده و فامیل وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد».

مرور پژوهش‌های خارجی نیز نشان می‌دهد که تعریف شرکت‌های خانوادگی بر اساس معیارهایی مختلفی نظیر درصد مالکیت اعضای خانواده، کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه خانواده در شرکت و عضویت اعضای خانواده در هیأت مدیره استفاده شده است که در هر کدام از این معیارها تنوع بالایی وجود دارد. به عنوان مثال، البگالی و فوا (۲۰۲۳) مالکیت حداقل ۲۰ درصد از سهام، اندرسون و ریب (۲۰۰۳) میزان تملک ۱۸ درصد سهام و بارث و همکاران (۲۰۰۵) داشتن مالکیت حداقل ۳۳ درصد سهام شرکت، توسط یک شخص یا یک خانواده استفاده شده است. مائوری (۲۰۰۶) نیز بیان می‌کند هنگامی که بزرگترین سهام‌دار کنترلی، دارای حداقل ۱۰ درصد سهام دارای حق رأی باشد، شرکت خانوادگی است. چکرابارت (۲۰۰۹) مالکیت حداقل ۲۰ درصدی سهام دارای حق رأی و همچنین داشتن بیشترین درصد حق رأی در مقایسه

با دیگر سهام‌داران، را جزء شرایط شرکت‌های خانوادگی تعریف می‌کند. کاپریو و همکاران (۲۰۱۱)، مالکیت ۱۰ درصدی سهام و هنسن و مکاران (۲۰۱۴) نیز دارا بودن ۲۵ درصد سهام دارای حق رأی توسط شخص، خانواده و یا فرزندان، بورالهو و همکاران (۲۰۲۰) نیز حضور یک نفر از اعضای خانواده در هیات مدیره و مالکیت درصد قابل ملاحظه‌ای از سهام شرکت را ملاک تعیین شرکت‌های خانوادگی بیان می‌کنند. در پژوهش حاضر، با توجه به دسترس پذیری داده‌ها، از دو شرط برای تعریف شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی استفاده شده است. بدین معنی که در صورت برقراری حداقل یکی از دو شرط زیر، شرکت مورد نظر در دسته شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی قرار می‌گیرد:

(۱) سهام‌دار حقیقی ۲۰ درصد سهام عادی شرکت را در تملک داشته باشد، (۲) یکی از اعضای هیئت مدیره، خود، به تنهایی مالک حداقل ۵ درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت مدیره و اعضای خانواده وی، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد.

پس از تعیین شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، درصد مالکیت خانوادگی از طریق نسبت تعداد سهام در تملک مالکان خانوادگی به کل سهام شرکت محاسبه می‌گردد.

کووید ۱۹ (COVID-19): متغیر تعدیل‌کننده پژوهش است که به صورت یک متغیر مجازی اندازه‌گیری می‌شود. با عنایت به این که کووید ۱۹ در اواخر سال ۱۳۹۸ شیوع پیدا کرد و بر روی مراحل تهیه گزارش‌های مالی آن سال اثر گذار بود (افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۲). از این رو، دوره زمانی ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ به عنوان دوره شیوع کووید ۱۹ تعریف و برای این دوره عدد ۱ و برای سایر دوره‌ها عدد صفر اختصاص داده شد.

در مدل‌های پژوهش به‌منظور کنترل ویژگی‌های خاص شرکت و سایر عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود از متغیرهای زیر که در ادبیات پژوهش نظیر البگالی و فوا (۲۰۲۳) و رحمان و همکاران (۲۰۲۲) پیشنهاد شده‌اند، استفاده شده است:

اندازه شرکت (Size): برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌هاست.

بازده دارایی‌ها (ROA): برابر با نسبت سود قبل از مالیات به کل دارایی‌هاست.

اهرم مالی (Lev): برابر با نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌هاست.

فرصت‌های رشد (MTB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

نقدینگی (Liq): نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری.

اندازه حسابرس (Big): اگر حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

عمر شرکت (Age): لگاریتم طبیعی تعداد سال از زمان تاسیس شرکت.

زیان (Loss): اگر شرکت در دوره مورد نظر دارای زیان باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده‌اند. مدیریت سود واقعی و تعهدی به ترتیب دارای میانگینی برابر با ۰/۰۰۳۳، ۰/۰۲۰۳ است. کمینه این متغیرها ۱/۹۹۶۸-

۱/۲۹۶۲- و بیشینه آنها به ترتیب ۵/۸۵۳۵ ، ۳/۲۷۷۴ است. میانگین درصد مالکیت خانوادگی کل مشاهدات برابر با ۰/۱۱۲۲ و مقدار بیشینه آن ۰/۸۵۰۱ است. میانگین متغیر زیان برابر با ۰/۱۰۸۲ است که نشان می‌دهد حدود ۱۰٪ از مشاهدات دارای زیان هستند. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها برابر با ۰/۱۵۳۵ است که نشان می‌دهد مشاهدات پژوهش به طور متوسط دارای بازدهی از محل سرمایه‌گذاری دارایی‌ها به میزان ۱۵ درصد هستند. میانگین متغیر اهرم مالی برابر با ۲۶ درصد است که فاصله آن با حداکثر این متغیر تفاوت قابل توجهی دارد. این بدان معنی است که برخی از شرکت‌های نمونه دارای زیان انباشته قابل توجهی هستند. متغیر نرخ رشد دارای بالاترین انحراف معیار و عمر شرکت دارای کمترین انحراف معیار است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
DA	۰/۰۲۰۳	-۰/۰۰۵۴	۳/۲۷۷۴	-۱/۲۹۶۲	۰/۲۷۱۷
REM	۰/۰۰۳۳	-۰/۰۵۶۳۳	۵/۸۵۳۵	-۱/۹۹۶۸	۱/۶۸۲۲
COVID-19	۰/۴۲۸۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۹۵۱
FOW	۰/۱۱۲۲	۰/۰۰۰۰	۰/۸۵۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۹۰
ROA	۰/۱۵۳۵	۰/۲۳۵۷	۰/۹۹۷۹	-۰/۷۵۵۷	۰/۰۷۰۳
SIZE	۶/۶۳۵۲	۶/۵۳۳۱	۸/۸۸۹۶	۴/۹۳۴۰	۰/۶۹۰۸
LEV	۰/۲۶۹۳	۰/۱۷۱۶	۴/۶۹۲۱	۰/۰۰۰۰۹	۰/۳۷۸۶
MTB	۳/۸۵۱۲	۳/۲۴۷۸	۱۰/۷۶۷۴	۰/۰۰۰۰۰۷	۲/۳۷۷۰
Liq	۱/۶۴۸۰	۱/۳۹۱۶	۱۰/۴۱۷۲	۰/۱۶۵۴	۱/۰۹۷۵
Big	۰/۱۶۲۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۶۹۵
Age	۱/۶۱۶۳	۱/۶۵۳۲	۱/۸۵۱۲	۱/۲۰۴۱	۰/۱۴۲۷
Loss	۰/۱۰۸۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۱۰۸

منبع: محاسبات پژوهش

متغیرها پژوهش، با استفاده از آزمون لوی، لین و چو از نظر ایستایی مورد آزمون قرار گرفت. از آنجایی که سطح معنی‌داری متغیرها کمتر از ۵ درصد بود، پایایی متغیرها تأیید شد، بدین معنی که مسئله رگرسیون کاذب در ضرایب تخمینی وجود ندارد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس نشان داد که فرض ناهمسانی واریانس برقرار نیست و در مدل‌های پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد. به همین دلیل از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته جهت برازش مدل‌ها استفاده شده است.

## آزمون فرضیه‌ها

پس از ارائه آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، در ادامه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. از آنجایی که برای سنجش متغیر وابسته پژوهش از دو شاخص استفاده شده است، لذا برای آزمون هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از دو مدل استفاده شده است. در مدل اول، مدیریت سود واقعی (REM) و در مدل دوم، مدیریت سود تعهدی (DA) متغیر وابسته است.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیرها	مدل اول (REM)		مدل دوم (DA)	
	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
عرض از مبدأ	۰/۰۷۹۴	۵/۰۶۲۴	-۱/۹۰۴۲	-۳/۳۰۸۷
FOW	-۰/۰۲۵۳	-۳/۱۸۷۹	-۰/۰۸۲۲	-۲/۲۶۰۶
Size	۰/۰۱۵۹	۲/۶۶۶۹	۰/۰۲۳۶	۵/۱۴۰۷
Lev	-۰/۰۰۲۱	-۲/۱۹۴۳	۰/۰۴۸۶	۲/۰۷۳۳
MTB	-۰/۰۰۵۰	-۳/۱۶۵۹	۰/۰۱۷۵	۲/۷۱۳۹
ROA	۰/۱۹۰۰	۲/۰۵۴۷	۰/۲۴۸۰	۳/۲۶۵۱
Big	-۰/۰۴۷۳	-۲/۳۷۳۲	-۰/۰۵۶۴	-۲/۲۵۱۴
Liq	-۰/۰۱۸۱	-۳/۷۶۳۲	۰/۰۶۷۴	۴/۴۳۷۵
Age	۰/۰۱۰۴	۴/۵۲۷۵	۰/۱۰۹۶	۲/۲۷۵۲
Loss	۰/۰۱۴۷	۲/۷۰۱۰	-۰/۰۵۱۷	-۲/۴۴۹۵
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۹۰۲		۰/۴۰۸۹	
دوربین واتسون	۱/۸۰۹۴		۱/۷۸۹۰	
آماره فیشر (معنی‌داری)	(۰/۰۰۰۰) ۸۲/۶۳۲		(۰/۰۰۰۰) ۸۰/۵۰۵	
آماره F لیمر (معنی‌داری)	(۰/۰۰۰۰) ۳/۶۹۲۰		(۰/۹۸۲۶) ۰/۷۳۹۶	
آماره هاسمن (معنی‌داری)	(۰/۱۷۱۷) ۱۲/۸۰۳۷		---	
میانگین عامل تورم واریانس	۱/۱۳		۱/۱۲	

منبع: محاسبات پژوهش

مطابق نتایج جدول ۲، سطح معنی‌داری آماره F لیمر و هاسمن حاکی از آن است که مدل اول (حالتی که مدیریت سود واقعی متغیر وابسته است)، به روش داده‌های تابلویی با رویکرد تصادفی و مدل دوم (حالتی که مدیریت سود تعهدی متغیر وابسته است)، به روش تلفیقی برآورد می‌گردد. میانگین عامل تورم واریانس کلیه متغیرهای در هر دو مدل حدوداً ۱/۱ است که نشان می‌دهد هم خطی بین متغیرهای توضیحی اثر نامطلوبی بر تخمین مدل ندارد. سطح معنی‌داری آماره F فیشر در مدل اول و دوم کمتر از سطح خطای ۵٪ است که حاکی از معنی‌داری کلی مدل‌های رگرسیون است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل اول و دوم حاکی از آن است که حدود ۳۹ درصد و ۴۰ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته توسط متغیرهای توضیحی مدل‌ها تبیین می‌گردد. در خصوص آزمون فرضیه اول، سطح معنی‌داری متغیر مالکیت خانوادگی (FOW) در مدل اول و دوم به ترتیب ۰/۰۰۲۱ و ۰/۰۲۵۳ و کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. بنابراین، می‌توان

ادعا کرد که متغیر مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی تاثیر معنی داری دارد. این یافته‌های حاکی از تائید فرضیه اول پژوهش است. همچنین، با عنایت به علامت منفی ضریب متغیر مالکیت خانوادگی، در هر دو مدل، مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی اثر منفی دارد. این یافته‌های بدین مفهوم است که شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی که دارای درصد مالکیت خانوادگی بیشتری هستند، کمتر به مدیریت سود واقعی و تعهدی اقدام کرده‌اند. این یافته‌ها با استدلال‌های نظری و یافته‌های تجربی بسیاری از مطالعات قبلی همخوانی دارد. به عنوان مثال، از دیدگاه نظری، در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، اثر همسویی و همگرایی منافع منجر به محدود شدن رفتار فرصت طلبانه مدیریت و کاهش تضاد نمایندگی بین مدیر و نماینده می‌شود که این موضوع در نهایت به مدیریت سود تعهدی کمتر منتهی می‌گردد (کاسینو و همکاران، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، از دیدگاه تجربی نیز یافته‌های بسیاری از مطالعات نظیر علی و همکاران (۲۰۰۷)، تانگ (۲۰۰۷) و چن و همکاران (۲۰۱۴) حاکی از وجود رابطه منفی بین مالکیت خانوادگی با مدیریت سود تعهدی است.

### جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیرها	مدل اول (REM)		مدل دوم (DA)	
	ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
عرض‌ازمبدأ	-۰/۹۱۷۷	-۳/۳۳۰۳	-۰/۱۲۶۵	-۲/۸۹۷۷
FOW	-۰/۳۲۸۳	-۲/۳۰۵۰	-۰/۰۱۵۱	-۲/۹۰۶۵
COVID	۰/۰۹۲۲	۳/۷۹۱۳	۰/۰۷۰۹	۳/۳۹۴۱
COVID* FOW	۰/۵۹۳۷	۴/۰۱۱۵	۰/۰۴۸۷	۲/۰۳۲۸
Size	۰/۱۳۰۷	۳/۲۰۷۱	-۰/۰۱۴۸	۳/۱۲۳۳
Lev	-۰/۰۶۳۶	-۲/۰۴۵۷	۰/۰۰۷۸	۲/۷۹۱۸
MTB	-۰/۰۱۸۰	-۲/۱۰۹۳	۰/۰۰۴۱	۳/۰۰۰۶
ROA	۰/۲۵۰۵	۲/۷۶۰۰	۰/۱۵۳۷	۳/۷۷۳۹
Big	-۰/۰۵۳۴	-۳/۲۱۰۳	۰/۰۰۱۷	-۲/۵۹۲۷
Liq	-۰/۰۶۷۲	۲/۵۵۲۴	۰/۰۱۰۸	۵/۰۱۲۰
Age	۰/۱۱۴۲	۳/۸۵۱۲	۰/۰۵۷۲	۲/۲۸۵۰
Loss	۰/۰۶۵۹	۲/۰۴۰۱	-۰/۰۱۱۲	-۲/۳۲۵۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۵۲۵		۰/۴۴۵۰	
دوربین واتسون	۱/۷۹۷۱		۱/۶۹۰۸	
آماره فیشر (معنی داری)	(۰/۰۰۰۰) ۸۵/۴۴۲		(۰/۰۰۰۰) ۷۸/۹۸۹	
آماره F لیمر (معنی داری)	(۰/۰۰۰۰) ۳/۶۸۲۹		(۰/۹۹۳۰) ۰/۷۰۲۷	
آماره هاسمن (معنی داری)	(۰/۰۰۰۰) ۱/۰۰۰		---	
میانگین عامل تورم واریانس	۱/۳۲		۱/۲۸	

منبع: محاسبات پژوهش

مطابق نتایج جدول ۳، سطح معنی داری آماره اف لیمر و هاسمن حاکی از آن است که مدل اول، به روش داده‌های تابلویی با رویکرد تصادفی و مدل دوم به روش تلفیقی برآورد می‌گردد. سطح معنی داری



آماره F فیشر حاکی از معنی‌داری کلی مدل‌های رگرسیونی است. مقدار آماره دوربین واتسون حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء خطای مدل‌ها، و میانگین شاخص عامل تورم واریانس در مدل اول و دوم حدوداً برابر با  $1/3$  است که نشان می‌دهد هم خطی قابل توجه بین متغیرهای توضیحی مدل‌ها وجود ندارد. در خصوص آزمون فرضیه دوم پژوهش، سطح معنی‌داری آماره t ضریب متغیر تعاملی (COVID\*FOW) در مدل اول و دوم به ترتیب برابر با  $0/0000$  و  $0/0421$  و کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. از این‌رو، متغیر کووید ۱۹ رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود (واقعی و تعهدی) را به طور معنی‌داری تعدیل می‌کند. بنابراین، نتایج برآورد مدل‌های اول و دوم حاکی از تأیید فرضیه دوم پژوهش است. این یافته‌ها بدین معنی است که متغیر کووید ۱۹، جهت رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود واقعی و تعهدی را تغییر می‌دهد. دلیل این موضوع آن است که در مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه اول پژوهش، مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود اثر منفی دارد، در حالی که علامت ضریب متغیر تعاملی (COVID\*FOW) مثبت و معنی‌دار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

موضوع کیفیت سود در طی دهه‌های گذشته همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه حسابداری و مالی بوده است. کیفیت سود مفهومی چند بعدی است، به همین دلیل، هر یک از پژوهشگران یک یا چند بعد از آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مدیریت سود یکی از مولفه‌های کلیدی کیفیت سود بشمار می‌رود که مطالعات گسترده‌ای در مورد عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای آن وجود دارد. از سوی دیگر، مطالعات متعددی درباره تأثیر انواع بحران‌ها بر رفتار گزارشگری مالی شرکت‌ها انجام شده است، لیکن، به دلیل ارائه شواهد متناقض، این موضوع همچنان نیاز به مطالعه دارد. شرکت‌ها به منظور کاهش اثرات بحران‌ها بر وضعیت مالی و ارائه تصویری مطلوب از عملکرد شرکت، ممکن است از شیوه‌های مدیریت سود استفاده کنند. بنابراین، شیوع کووید ۱۹ این انگیزه را برای بسیاری از مدیران شرکت‌ها فراهم کرد تا به مدیریت سود روی آورند. پژوهش حاضر با این استدلال که در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، حفظ ثروت اجتماعی - عاطفی و توانایی اعمال نفوذ صاحبان خانواده بر تصمیمات گزارشگری شرکت تأثیر دارد، و از طرف دیگر، تمام انواع شرکت‌ها از نظر انگیزه‌های مدیریت سود مشابه نیستند، به مطالعه تأثیر مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود در دوره شیوع کووید ۱۹ پرداخته است.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود واقعی و تعهدی تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. این یافته‌های بدین مفهوم است که شرکت‌هایی که درصد مالکیت خانوادگی بالاتری دارند، کمتر درگیر مدیریت سود بوده‌اند. این یافته‌های بدین مفهوم است که شرکت‌هایی دارای مالکیت خانوادگی که از درصد مالکیت خانوادگی بیشتری برخوردارند، کمتر به مدیریت سود واقعی و تعهدی اقدام کرده‌اند. استدلال‌های نظری و نیز شواهد تجربی در بسیاری از مطالعات قبلی با این نتایج همخوانی دارد. از دیدگاه نظری، در شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، اثر همگرایی منافع منجر به محدود شدن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و کاهش تضاد نمایندگی بین مدیر و نماینده می‌شود که این موضوع در نهایت به

مدیریت سود تعهدی کمتر منتهی می‌گردد (کاسینو و همکاران، ۲۰۱۰). از دیدگاه تجربی نیز یافته‌های بسیاری از مطالعات نظیر علی و همکاران (۲۰۰۷)، تانگ (۲۰۰۷) و چن و همکاران (۲۰۱۴) حاکی از وجود رابطه منفی بین مالکیت خانوادگی با مدیریت سود تعهدی است. از سوی دیگر، با عنایت به مبانی تئوری ثروت اجتماعی - عاطفی، در شرکت‌های خانوادگی، حفظ ثروت اجتماعی-عاطفی یک نقطه مرجع مهم در اتخاذ تصمیم‌ها، از جمله تصمیم درباره فرآیند گزارشگری مالی است. مارتین (۲۰۱۶) نشان داد که مدیران خانواده با منصرف کردن مدیران از درگیر شدن در فعالیت‌های مدیریت سود، از ثروت اجتماعی - عاطفی محافظت می‌کنند. آکلینتر (۲۰۱۴) و البگالی و فوا (۲۰۲۳) نشان دادند که مالکان خانوادگی در راستای حفظ ثروت اجتماعی-عاطفی خانواده و تداوم کنترل بلندمدت، کمتر سعی در مدیریت سود دارند. در مجموع یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول با نتایج وانگ (۲۰۰۶)، علی و همکاران (۲۰۰۷)، تانگ (۲۰۰۷)، جیراپورن و دادالت (۲۰۰۹)، آکلینتر (۲۰۱۴)، کاسینو و همکاران (۲۰۱۰)، پرینسیپ و همکاران (۲۰۰۸) و (۲۰۱۱)، یاراحمدی و محمدی (۱۳۹۹) و حسینی و همکاران (۱۳۹۵) سازگاری دارد. همچنین، این یافته‌ها با نتایج دینگ و همکاران (۲۰۱۱)، چای و همکاران (۲۰۱۵)، حق وردی زاده (۱۳۹۹) و نمازی و محمدی (۱۳۸۹) در تضاد است.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که کووید ۱۹ اثر تعدیلی معنی‌داری بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود دارد. به عبارت دیگر، رفتار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از نظر مدیریت سود، در دوره قبل و بعد از شیوع کووید ۱۹ تفاوت معنی‌داری دارد. این یافته‌ها با نتایج بسیاری از مطالعات تجربی همخوانی دارد. الجواهری و همکاران (۲۰۲۱)، اوزیل (۲۰۲۱) و شیائو و شی (۲۰۲۱) نشان دادند که در طول بحران شیوع کووید ۱۹، شرکت‌ها جهت ارائه تصویری بهتر از وضعیت مالی شرکت، به مدیریت سود افزایشی روی می‌آورند. در مقابل، لیو و سان (۲۰۲۲)، فیلیپ و رافورنی (۲۰۱۴) و کومار و ویج (۲۰۱۷) نشان دادند که دوره اپیدمی مدیران به منظور افزایش سودهای آتی به مدیریت سود کاهنده اقدام می‌کنند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش با نتایج رحمان و همکاران (۲۰۲۲)، لاسود و خانچل (۲۰۲۱)، لیانگ (۲۰۲۲)، لیو و سان (۲۰۲۲)، علی و همکاران (۲۰۲۲)، عزیزاح (۲۰۲۲)، لیسوا و کاجاروا (۲۰۱۸)، لیسوا (۲۰۱۷) وانگ و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شیوع کووید ۱۹ رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود را به طور معنی‌داری تعدیل می‌کند. در این راستا می‌توان استدلال کرد که در دوره وجود بحران‌های مالی، عموماً دولت‌ها حمایت‌های مختلفی نظیر تخفیف‌ها و بخشودگی مالیاتی در نظر می‌گیرند که استفاده از آنها ممکن است مستلزم رعایت الزامات خاصی باشد. از این رو، شرکت‌ها به منظور استفاده از این حمایت‌ها ممکن است از مدیریت سود اجتناب کنند.

با عنایت به یافته‌های پژوهش مبنی بر تأثیر منفی مالکیت خانوادگی بر مدیریت سود، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی پیشنهاد می‌شود ضمن توجه به متغیر نوع مالکیت به عنوان یک فاکتور تأثیرگذار بر کیفیت اطلاعات مالی، با اعتماد بیشتری به تحلیل اطلاعات سود شرکت‌های با مالکیت خانوادگی بپردازند. یافته‌های فرضیه دوم مبنی بر تأثیر کووید ۱۹ بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و مدیریت سود، نشان می‌دهد

که اگر چه مالکیت خانوادگی می‌تواند عاملی محدودکننده رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و مدیریت سود باشد، لیکن، وقوع بحران‌هایی نظیر شیوع کووید ۱۹ با تشدید فشارهای مالی بر واحدهای تجاری، می‌تواند مدیران این واحدها را برانگیزد تا از وقوع بحران‌ها به عنوان فرصتی جهت مدیریت سود و کاهش تبعات مالی بحران‌ها استفاده کنند. از این‌رو، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی پیشنهاد می‌شود در دوره‌های وقوع بحران‌ها، با حساسیت بیشتری به مطالعه صورت‌های مالی و رفتار مدیریت سود شرکت‌ها بپردازند. از سوی دیگر، اگر چه یافته‌های پژوهش حاضر تصویری جامع‌تر از رفتار شرکت‌ها در واکنش به بحران مالی ناشی از شیوع کووید ۱۹، ارائه می‌کند، لیکن، وجود برخی محدودیت‌ها ممکن است مانع از تعمیم درست نتایج گردد. برای نمونه، در حالی که شیوع کووید ۱۹ بر برخی صنایع نظیر صنعت گردشگری و حمل و نقل، اثرات مالی بیشتری داشته است، در این پژوهش، اثر نوع صنعت کنترل نشده است و فرض شده است که کووید ۱۹ بر تمام صنایع اثر یکسانی دارد. به علاوه، با وجود معیارهای مختلف جهت سنجش مدیریت سود و مالکیت خانوادگی در این پژوهش، برای سنجش مدیریت سود تعهدی و واقعی و نیز مالکیت خانوادگی از یک معیار واحد استفاده شده است. این محدودیت‌ها می‌تواند توجه پژوهشگران آتی را به خود جلب کند.

#### ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.  
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.  
تعاض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.  
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت رعایت شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## References

- Achleitner, A. K; Günther, N; Kaserer, C; & Siciliano, G. (2014). "Real earnings management and accrual-based earnings management in family firms". *European Accounting Review*, 23(3), 431–461.
- Aflatooni, A; Mansouri, K; & Nikbakht, Z. (2024). "COVID-19, Accruals Quality and Cost of Debt". *Empirical Studies in Financial Accounting*, 20(80), 131-164. [In Persian]
- Al-Begali, S. A. A; & Phua, L. K. (2023). "Earnings management in emerging markets: The COVID-19 and family ownership". *Cogent Economics & Finance*, 11(1), 2220246.
- Al-Hiyari, A; Haija, E; & Kolsi, M. C. (2023). "Real and Accrual-Based Earnings Management Practices in the Pre-and During the COVID-19 Outbreak: Evidence from UAE Listed Firms." *In AI and Business, and Innovation Research: Understanding the Potential and Risks of AI for Modern Enterprises*, 453-463.
- Ali, A; Chen, T. Y; & Radhakrishnan, S. (2007). "Corporate disclosures by family firms". *Journal of accounting and economics*, 44(1-2), 238-286.
- Ali, H; Amin, H. M. G; Mostafa, D; & Mohamed, E. K. A. (2022). "Earnings management and investor protection during the COVID-19 pandemic: Evidence from G-12 countries". *Managerial Auditing Journal*, 37(7), 775–797.
- Aljawaheri, B. A. W; Ojah, H.K, Machi, A.H, & - ALmagtome, A.H (2021). "COVID-19 lockdown, earnings manipulation and stock market sensitivity: An empirical study in Iraq". *The Journal of Asian Finance, Economics & Business*, 8(5), 707–0715.
- Anderson, R. C; & Reeb, D. M. (2003). Founding-family ownership and firm performance: evidence from the S&P 500. *The journal of finance*, 58(3), 1301-1328.
- Azizah, W. (2021). "Covid-19 in Indonesia: Analysis of differences earnings management in the first quarter". *Jurnal Akuntansi*, 11(1), 23–32.
- Berrone, P; Cruz, C; & Gomez-Meija, L. R. (2012). "Socioemotional wealth in family firms: Theoretical dimensions, assessment approaches, and agenda for future research". *Family Business Review*, 25(3), 258–279.
- Burgstahler, D. and Dichev, I. (1997). "Earnings management to avoid earnings decreases and losses", *Journal of Accounting and Economics*, 24(1). 99-126.
- Bugshan, A; Lafferty, G; Bakry, W; & Li, Y. (2020). "Earnings management during the oil price crisis". *Journal of Applied Economic Sciences*, 68(2), 297–309.
- Borralho, J. M; Vázquez, D. G; and Hernández-Linares, R; (2020). "Earnings management in private family versus non-family firms: The moderating effect of family business generation", *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 49(2), 210–233.
- Bhaumik, S. K; and Gregoriou, A; (2010). "Family' ownership, tunnelling and earnings management: A review of the literature". *Journal of Economic Surveys*, 24(4), 705–730.
- Barth, M. E; Elliott, J. A; & Finn, M. W. (1999). "Market rewards associated with patterns of increasing earnings". *Journal of Accounting Research*, 37, 387–413.
- Barth, E; Gulbrandsen, T; & Schønea, P. (2005). Family ownership and productivity: The role of owner-management. *Journal of corporate finance*, 11(1-2), 107-127.

Cascino, S; Pugliese, A; Mussolino, D. and Sansone, C. (2010). "The influence of family ownership on the quality of accounting information", *Family Business Review*, 23(3). 246-265.

Caprio, L; Croci, E; & Del Giudice, A. (2011). Ownership structure, family control, and acquisition decisions. *Journal of Corporate Finance*, 17(5), 1636-1657.

Chakrabarty, S. (2009). The influence of national culture and institutional voids on family ownership of large firms: A country level empirical study. *Journal of International Management*, 15(1), 32-45.

Chen, S; Chen, X; & Cheng, Q. (2008). "Do family firms provide voluntary disclosure?" , *Journal of Accounting Research*, 46, 499 –536.

Chen, H; Liu, S; Liu, X; & Wang, J. (2021). "Opportunistic timing of management earnings forecasts during the COVID-19 crisis in China". *Accounting & Finance*, 62 (S1), 1495–1533

Chi, C. W; Hung, K; Cheng, H. W; & Tien Lieu, P. (2015). "Family firms and earnings management in Taiwan: Influence of corporate governance". *International Review of Economics & Finance*, 36, 88–98.

Dechow, P; Ge, W; & Schrand, C. (2010). "Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences". *Journal of Accounting & Economics*, 50, 344 –401.

DeFond, M. L; & Jiambalvo, J. (1994). "Debt covenant violation and manipulation of accruals". *Journal of Accounting & Economics*, 17, 145–176.

DeGeorge, F; Patel, J; & Zeckhauser, R. (1999). "Earnings management to exceed thresholds". *Journal of Business*, 72, 1–33.

Ding, S; Qu, B; & Zhuang, Z; (2011). "Accounting properties of Chinese family firms". *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 26(4), 623–640.

Eng, L. L; Fang, H; Tian, X; Yu, T. R; & Zhang, H. (2019). "Financial crisis and real earnings management in family firms: A comparison between China and the United States". *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 59, 184–201.

Fields, T. D; Lys, T. Z; & Vincent, L. (2001). "Empirical research on accounting choice". *Journal of Accounting & Economics*, 31, 255 –3.

Filip, A; & Raffournier, B. (2014). "Financial crisis and earnings management: The European evidence". *The International Journal of Accounting*, 49(4), 455–478.

Gomez-Mejia, L. R; Campbell, J; Martin, G; Hoskisson, R; Makri, M; & Sirmon, D. (2013). "Socioemotional wealth as a mixed gamble: Revisiting family firm R&D investments with the behavioral agency model". *Entrepreneurship Theory and Practice*.

Gomez-Mejia, L. R; Haynes, K; Nun˜ez-Nickel, M; Jacobson, K. J. L; & Moyano-Fuentes, J. (2007). "Socioemotional wealth and business risks in family-controlled firms: Evidence from Spanish olive oil mills". *Administrative Science Quarterly*, 52, 106–137.

Haghverdizadeh, M. (2020). " Investigating the Linear Relationship between Corporate and Non-family Ownership of Companies with Discretionary Accruals (Earnings Management)" . *Journal of Accounting and Management Vision*, 3(29), 113-125. [In Persian]

Hamza, T; & Zaatir, E. (2021). "Does corporate tax aggressiveness explain future stock price crash? Empirical evidence from France". *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 19(1), 55–76.

Healy, P. M; & Palepu, K. G. (2001). "Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature". *Journal of Accounting & Economics*, 31, 405– 440.

Healy, P. M; & Wahlen, J. M. (1999). "A review of the earnings management literature and its implications for standard setting". *Accounting Horizons*, 13, 365– 383.

Henssen, B; Voordeckers, W; Lambrechts, F; & Koiranen, M. (2014). The CEO autonomy–stewardship behavior relationship in family firms: The mediating role of psychological ownership. *Journal of Family Business Strategy*, 5(3), 312-322.

Ho, S. S. M; & Wong, K. S. (2001). "A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure". *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 10, 139–156.

Hosseini, S.H; Shokri, A. & Panahi, S. (2015). "The Relationship between the Managerial Ability and the Earnings Quality in family firms", *the 3 international conference on economics, management, accounting with a value creation approach*, Shiraz. [In Persian]

Jiraporn, P; & Dadalt, P. (2009). "Does founding family control affect earnings management?" , *Applied Economic Letters*, 16, 113–119.

Kassnik, R. (1999). On The Association Between Voluntary Disclosure and Earning Management. *Journal of Accounting Research*, 19(1), 109-131

Kumar, M; & Vij, M. (2017). "Earnings management and financial crisis: Evidence from India". *Journal of International Business and Economy*, 18(2), 84–101.

Kousenidis, D. V; Ladas, A. C; & Negakis, C. I. (2013). "The effects of the European debt crisis on earnings quality". *International Review of Financial Analysis*, 30, 351–362.

Lassoued, N; & Khanchel, I. (2021). "Impact of COVID-19 pandemic on earnings management: Evidence from financial reporting in European firms". *Global Business Review*, 0(0).

Liu, G; & Sun, J. (2022). "The impact of COVID-19 pandemic on earnings management and the value relevance of earnings: US evidence". *Managerial Auditing Journal*, 37(7), 850–868.

Lisboa, I; & Kacharava, A. (2018). "Does financial crisis impact earnings management: Evidence from Portuguese and UK". *European Journal of Applied Business Management*, 4(1), 80–100.

Liang, B. (2022). "The Impact of COVID-19 on earnings management of listed companies". *Journal of Simulation*, 10(2), 53–60

Lisboa, I. (2017). "Impact of financial crisis and family control on earning management of Portuguese listed firms". *European Journal of Family Business*, 6(2), 118–131.

Matsumoto, D. A. (2002). "Management's incentives to avoid negative earnings surprises". *Accounting Review*, 77(3), 483– 514.

Martin, G; Campbell, J. T; & Gomez-Mejia, L; (2016). "Family control, socioemotional wealth and earnings management in publicly traded firms", *Journal of Business Ethics*, 133(3), 453–469.



Maury, B; & Pajuste, A. (2005). Multiple large shareholders and firm value. *Journal of Banking & Finance*, 29(7), 1813-1834.

Mehrazzin, A; Qabdian, B; Frortan, O, & Taghipour, M. (2012). "Family, non-family ownership and earnings management". *Audit Knowledge*, 13(52), 153-171. [In Persian]

Namazi, M; & Mohammadi, M. (2011). "An Investigation of the Earnings Quality of Family Firms and Non-family Firms in Tehran Stock Exchange". *Journal of Accounting Advances*, 2(2), 159-194. [In Persian]

Ozili, P. K; & Arun, T. (2020). "Spillover of COVID-19: Impact on the global economy". *SSRN* 3562570.

Ozili, P. K. (2021). "Accounting and financial reporting during a pandemic". *New Challenges for Future Sustainability and Wellbeing*, 105183, 87-93.

Prencipe, A; Bar-Yosef, S; Mazzola, P; & Pozza, L. (2011). "Income smoothing in family-controlled companies: Evidence from Italy". *Corporate Governance: An International Review*, 19, 529-546.

Prencipe, A; Markarian, G. & Pozza, L. (2008). "Earnings management in family firms: evidence from R&D cost capitalization in Italy", *Family Business Review*, 21(1). 71-88.

Paiva, I. S; Lourenço, I. C; & Curto, J. D. (2019). "Earnings management in family versus non-family firms: The influence of analyst coverage". *Spanish Journal of Finance and Accounting*, 48(2), 113-133.

Rahman, M. J; Ding, J; Hossain, M. M; & Khan, E. A. (2022). "COVID-19 and earnings management: A comparison between Chinese family and non-family enterprises". *Journal of Family Business Management*, 13(2), 229-246.

Roychowdhury, S. (2006). "Earnings management through real activities manipulation". *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.

Salvato, C; & Moores, K. (2010). "Research on accounting in family firms: accomplishments and future challenges". *Family Business Review*, 23, 193-215.

Shirvani, H. and Soroushyar, A. (2019). Investigating the Effect of Concentrated Ownership in Family and Non-Family Firms on Performance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*, 7(1), 165-184. [In Persian]

Stockmans, A; Lybaert, N; and Voordeckers, W; (2013). "The conditional nature of board characteristics in constraining earnings management in private family firms", *Journal of Family Business Strategy*, 4(2), 84-92.

Taylor, D; Selasi Awuye, I; Yaa Cudjoe, E. (2023). Covid-19 pandemic, a catalyst for aggressive earnings management by banks? *J. Account. Public Policy* 42(1), 107032

Tong, Y. H; (2007). "Financial Reporting Practices of Family Firms", *Advances in Accounting*, 23, 231-261.

Vadiei, M. H; Ghannad, M. and Nazari, H. (2018). The Comparison of the Structure of Liquidities, Funding via Long-Term-Debts and Dividends in Family & Non-Family Firms. *Financial Management Strategy*, 6(1), 25-52. [In Persian]

Wang, D. (2006). "Founding family ownership and earnings quality". *Journal of Accounting Research*, 44(3), 619-656.

Xiao, H; & Xi, J. (2021). "The COVID-19 and earnings management: Chinas evidence". *Journal of Accounting and Taxation*, 13(-2), 59-77.

Yarahmadi, J; & Mohammadi, A. (2020). "The Impact of Family Involvement on the Relationship between Corporate Social Responsibility and Earnings Management". *Journal of Accounting and Social Interests*, 10(3), 93-115. [In Persian]

Zhang, I. X; & Zhangs, Y. (2018). "Insider trading restrictions and insiders' supply of information: Evidence from earnings smoothing". *Contemporary Accounting Research*, 35(2), 898-929.

#### COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

